

نوع	میلا بوقبار						
قرآن	قرآن	قرآن	قرآن	قرآن	قرآن	قرآن	قرآن
۱۰۳	۷۰	۱۰۴	۵	۱۰۵	۵۷	۱۰۶	۴۲
۱۰۷	۵	۱۰۸	۵	۱۰۹	۴۹	۱۱۰	۴۹
۱۱۱	۵	۱۱۲	۵	۱۱۳	۵۶	۱۱۴	۵
۱۱۴	۵	۱۱۵	۵	۱۱۶	۱۳	۱۱۷	۶
۱۱۷	۵	۱۱۸	۵	۱۱۹	۸	۱۲۰	۳۵
۱۱۹	۵	۱۲۱	۵	۱۲۲	۰	۱۲۳	۳۰
۱۲۲	۵	۱۲۳	۵	۱۲۴	۹	۱۲۵	۹

عصر

صفحة اول سیری ۳ قران دوم و سوم ۲ قران چهار

مجلس ترحم شارڈ اف ریکا

وزیر پک شنبه پنجم ماه «فرنگی» مطابق با ۱۵ اردی بهشت (فردا) ساخت بدد
از ظهر در نماز خانه آمریکایی در خیابان خوام اسلام‌لط منطقه خواهد بود گره اعلان ۲۹۳۱

اعلان اسپ دوانی

این دو اعلان پیاپی هر هفدهمین شنبه در جمهوری اسلامی ایران منتشر می‌شوند.
در این اعلان هایی که در این سایت منتشر شده اند، می‌توانید از خواهد آمد در روزه
آنچه می‌گذرد و اندازه گیری اسپ ها از ۱۵ الی ۲۷ ماه جاری می‌روزد.
از ساعت ۶ تا ۶ بدر از ظهر در میدان مشق چوب سر باز خاله، فوج مهندس انجام می‌گیرد
اسپ دوانی پاییز همان شنبه در صحرای ترکمن به میل خواهد آمد.
نمره اعلان ۲۹۱۵ کلوب ورزش صاحب منصبان

فوٹ اسفنائی

یکدستگاه عمارت عالی پیلاقی توپاز
؛ باغ و آب جاری واقع در لار (قرب
قدس) اجاره داده بشود طالبین پادشاه روز
نه اطلاعات من اجده خانند نمایند املاک ۹۳۴



اعلان

آنوقت سرک کیمن دچار جحث شد و هنرمند بین این
چاره نبود زیرا مشقان را که در این راه گردید
بودند با راه به تقویل آن پیشنهاد نهادند. نهادن می سکرده
این جهت وارد یکی از آبادی ها گردیده و در
آنجا آملاع مخترع دهانی بجا داده و غذای ساده
بز تهیه کرده چند ساعتی استراحت نمودند
هینکه دوست ساعت از شب گذشت و سرمازی
شدید شب زمین را متوجه ساخت حرکت کردم
و از خود راه که شنط بطری کالب روانه شدم
غزنه یکی از شهر های افغانستان و استهداد
طبیعت آن بزر خوبی داشت اما دهوار خوار
جهت و در مسافت تریبا ۲۵ فر سخن گشایل
برای این که از مسافرین دو طیاره
دیگر همچو ق هوم و امدادات باز ماند
مکریم پیزیمت خود سمت میدان طیاره ادامه
داه و هر قدر که ما نزدیک میدان میشیم
طیارات متوجه پیزیشنتر بزمیں مهایل میگردید
تا اینکه در چند دقیقی ما بزمیں نشست و ملاحظه
کردم که آذایان غلام صدیق خان و زیر امور
خارجه و مردار محمد حسن خان داماد علیحضرت
و چند نفر دیگر از طیاره بیرون آمدند
نمکح دیدن من بطری کالب روانه شدم
من از دیدن آذایان فوق بیشتر خاطرم
مشوش گردید زیرا مطالب و واقعیت بدی که
که مکنسته حکمده امداد نهاده بگذرد

خواستم گفت حاضر میکنم ولی چون اتوبول
میکن بوده، آبادی برده شود، آنها گفتم
میتواید از این اتوبول شب یافته باشی کنید.
گفتند خیر بنا بر این مراری حفاظت اثیمه بجور
شود و در همان کاراچی، چند ساعتی پس بزم مقداری
هیزم آماده کرد و غذای ساده نیز ترتیب دادند
به بیهی است که این چند ساعتی با کمال
مشقت سر رومی ذرا در زستان و باوجود برف
ساقی که تمام زمین و سکوهارا سفید گردید
زنگی در صحراء خالی از سوارت نیست ولی در مقابل
تصاف چه نی توان گردید
چند ساعت از شب گذشت و ساعت مهمود
در رویداد باین نگاه پر مشقت شاید داده حرکت کردیم
— دیگر ممکنلاخ برای آتوبول پیش عی آمد و
سریما بیش می وقتم
ساعت ۱۲ شب وارد دعی شدیم که اینجا
پسک آبادی بزرگ و بر سکونت بود و تمام مردم
بنجواب اودنه و هیچگنس دیده نمی شد از اینجا
هم کشتم و فربی بظاهر پیو شد رایهان که یکی از
بروکی بود رسانید مکروه می توام
با اتوبول پیشکاره روز خود را بکابل بر سازم

نلگاه باشیم که از آن آتویل های پر آمد
و شب را ملاقات آغاز نمی کردند و من از مذاکرات
زیاد بطور خلاصه اطلاعاتی که من داده اند این است
که طوفی شیواری شروع باختشانی عده اند
که از شهر و اطراف فوائی رای سر کوک آنها
این زم کردیده و از سکه های هم تازه شور شد
خاصه شده و لی پیز مابین توجه و مهی نیست والیه
اطیحضرت اهتمام در مسامع ساخت آن خواهد داشت
و بالاخره در باب صلاح اندیشه عزیز خود
اسکا بل استشاد کرد اطمینان نمودند که اشکانی را
شنا در راه نخواهد بود و البته خواهید توانت
مسافرت کنید و بنا بر این دو همانها تصمیم قطعی
بجز سکوت گرفته و قردا صحیح خود را آسمانه نموده
هزارانه به تسویق فناوری داشتند

نشیفات بازیون خلیلی بارا ای صورت کردن
آشته ۲۴۸۳ هر برای احتیاط و میرت دیگران
توپیت کردند. پاییں شماره های روز نام
«له پیغمبر» و «وا که بیهی روز نامه مشور
له هموایت» طبع شده بود مسطوط تو قفت
نمود. در دوسکو متاجاز از بیک کریور چمیت
در نیمات شر کردند. سدها هر ایام دهندگان را
لینن دیلیدند. تو قفت کردند و از آنها گیر
نکوک و لو کامها روز اول می آرام بود —

اشغالی داشت از آن چنان تا نهان پیش از دوازده فریضیت نیست و بنابر این ما بینین داشتم شب را در کمال خواییم اورد

در شدود میدان دو تقریب امده دو را در چاهه دیده و از وضع راه سوالاتی کردم کتفتند راه آمن است ولی بهتر است در میدان حاکم و عبد الله خان کنل ساقی را دیده با ایشان مشاوره نماید من هم در میدان رقمه که حاکم را ملاقات نهایم.

در این موقع حکومت نزد کنل عبد الله خان رفته بود من کارت خود را برای او فرستادم ولی بدت زمانی طول کشید و ازاو خبری نشد عجله من در حرکت بکال وادرام گرد که خود بست قله و هسپار هوم ولی در آن دیگری قاه او و کنل عبد الله خان را دیدم که بطرف من می آمدند بس از ملاقات مارا اخراج برای صرف نهار نکاهده اند و از آن پذیرانی کردند و بد مامون شدند که در قلمه مذاکرانی وده است که از اهالی این جماعت قوای تبریک تهیه نموده و بکم و طرفداری اعلیحضرت امیر الله اعزام دارند این بوقتی هم جا من گردیده و غده داوطلب شده بودند اطلاعات صحیحی نداشتند ولی اظهار نمودندتا محل در این حوالی خبری شده و در پین رله هم بجزئی نیست ولی برای اینکه اطمینان داران استالین و تروتسکی جلسه کوبنیست بهم خورد

در این اتوبول که از چهل اختیار گرد و شور ما هندی بود چهار فر فرار داشتم و بدیم است مسازت گردن ناین چند فر در تقطیع شهور مرد فاطمی اینی در پیش باشد شالی از اشکل نبود ولی من در تضمیم خود ذرا تردید ندازد. (بریجنمن) دادم و بازم راضی پیغم زود آنور میل بود افتاد از قدره از ناسخابی تقریباً ۷۰٪ فریض است از این طبقه همین شهر (من). (منه) و چند تقطیع یکسری اشد همین که چند فریض از قدره از خود شدیم بر شدت بر مای هوا از زوده شد و کم چاده هاره در حدود موفر مسیر از رو دیدیم.

اگل طوطو و نیاه های افغانستان هر سه شده است این طوطو هم شناسه شده و اتوبول زویی اشد ولی بواسطه مانع از کمی که از چندی بین طرف و در حقیقت از بیان ساقت اطیع بضرت بارو با در تسبیں و ساخته ایان چاده ها شده بود غتصب خراب یهدا کرد و حرکت اتوبل و انحصارها که داده و در اطراف آنها مطالعه ای که هنچی به مؤقتیت گردد خواهد بود.

لندن ۲ — شبیه کنکره می هندستان در لندن مراسله راجع بجا را و خواندنی که در ایستگاه ویکتوریا در وقوع ورود کسیون بود که هر رخ های اتوبل در یک فرو میرفت و بزیخت حرکت می کردند ماخوذ را بزیخت زیاد به (موفر) و ساندم و پس از قدری توفیق در آنها حرکت نمودند ولی پیشتر دیگار روحش دیدند بالآخر شور و پیشنهاد یعندها که هر چشم تاوقی که زین هایخ به یندد باید ها یعنی تاوقی که وینی این وقوع این کرده اند که وینی وزراء باید از وقوع این اظهار ناگاید،

